سه‌شنبه اول آبان ۱۴۰۳
شماره ۴۲۵۹
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

ارتش صهیونیستی علی‌رغم اعمال محدودیت‌های خبری سنگین نتوانست تلفات وسیع به نیروهای ارشدش را بایکوت کند

یواش، یواش

حانیه قاسمیان
خبرنگار گروه جهان‌شهر

«اردوگاه جبالیا خاری در گلوی رژیم صهیونیستی خواهد ماند تا زمانی که نابود شود.» این جمله‌ای است از نزار ریان، رهبر جنبش مقاومت اسلامی (حماس) که در سال ۲۰۰۹ توسط رژیم صهیونیستی ترور شد. جبالیا که طبق طرح «ژنرال‌ها»ی رژیم صهیونیستی از هفته‌های گذشته در حصر کامل به سر می‌برد، با حذف دقسه توانست ضربه مهلکی به ارتش رژیم صهیونیستی وارد کند. به گفته بسیاری از کارشناسان نظامی این ژنرال مهم‌ترین فرمانده نظامی است که از آغاز عملیات طوفان الاقصی به هلاکت رسیده است.

دقسه که بود؟

احسان دقسه یک افسر صهیونیستی با درجه سرهنگ بود که در سال ۱۹۸۳ متولد شد و به طایفه دروزی تعلق داشت. او اهل یک روستا واقع در حیفا در اراضی اشغالی بود که بسیاری از اهالی آن در ارتش رژیم صهیونیستی خدمت می‌کنند. پس از فارغ‌التحصیلی در رشته حقوق، او به ارتش رژیم صهیونیستی پیوست و سال‌های متعددی در آنجا خدمت کرد. اما در اوت ۲۰۲۳ برای ادامه تحصیل به کالج امنیت ملی بازگشت. با شروع نبرد طوفان الاقصی در نوار غزه در اکتبر ۲۰۲۳، او به موقعیت نظامی خود بازگشت و در تهاجم رژیم صهیونیستی به نوار غزه شرکت کرد.

تجربه نظامی

احسان دقسه در سال ۲۰۰۱ به ارتش رژیم صهیونیستی و به واحد زرهی پیوست. او در جنگ دوم لبنان (ژوئیه ۲۰۰۶) شرکت کرد و به‌عنوان فرمانده یک گروهان در گردان ۷۵ تیپ هفتم خدمت کرد.

در سال ۲۰۱۲ به‌عنوان معاون فرمانده گردان ۷۷ منصوب شد و در سال ۲۰۱۴ فرمانده تیپ هفتم شد. در سال ۲۰۱۶ به درجه سرگرد ارتقا یافت و فرماندهی گردان ۸۲ را به عهده گرفت.

در سپتامبر ۲۰۱۸ به فرماندهی گردان ۵۳۲ در تیپ ۴۶۰ منصوب شد و در سال ۲۰۱۹ به‌عنوان افسر عملیات در فرماندهی شمالی ارتش رژیم صهیونیستی منصوب شد. در اوت ۲۰۲۱، او فرماندهی یگان جولان را به عهده گرفت. در تاریخ ۲۵ ژوئن ۲۰۲۴ و در جریان تهاجم رژیم صهیونیستی به غزه، احسان دقسه به درجه سرهنگی ارتقا یافت و در میانه نبردهای شهر رفح به فرماندهی تیپ ۴۰۱ از لشکر ۱۶۲ در فرماندهی منطقه جنوبی منصوب شد.

او مسئول عملیات در اردوگاه جبالیا بود و همچنین عملیات تهاجمی در بیمارستان شفا، محله زیتون، بیت حانون، جبالیا و رفح را فرماندهی کرد.

کشته‌شدن

سرهنگ احسان دقسه در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴ در نبرد با مقاومت فلسطین در اردوگاه جبالیا در نوار غزه کشته شد. تعدادی از معاونان او نیز در این حادثه به‌شدت مجروح شدند.

رادیو ارتش رژیم صهیونیستی گزارش داد که سرهنگ دقسه همراه با سه افسر دیگر در دو تانک در منطقه نبرد جبالیا حضور داشت و بعد از خروج از تانک‌ها به مسافت ۲۰ متری، بمب دستی به آن‌ها اصابت کرد. رسانه‌های صهیونیستی اعلام کردند که دقسه بالاترین رتبه نظامی است که در جنگ غزه ۲۰۲۴/۲۰۲۳ کشته شده است و یکی از ۴ افسر سرهنگی است که از ابتدای جنگ بر ضد نوار غزه کشته شده‌اند. معاون او و فرمانده عملیات تیپ ۴۰۱ نیز در جریان محاصره بیمارستان شفا در نوامبر ۲۰۲۳ کشته شد.

چرا به هلاکت رسیدن دقسه مهم است؟

درباره اهمیت کشته‌شدن دقسه در صحنه نظامی، برخی از کارشناسان فلسطینی معتقدند که فرمانده تیپ ۴۰۱ مهم‌ترین شخصیت نظامی صهیونیستی است که از آغاز نبرد «طوفان الاقصی» کشته شده است. دو دلیل برجسته برای اهمیت حذف دقسه می‌توان عنوان کرد:

نخست آنکه او بالاترین رتبه نظامی را داشت؛ سرهنگ دقسه فرمانده تیپ ۴۰۱ زرهی بود که زیرمجموعه لشکر ۱۶۲ است و به‌عنوان مهم‌ترین تیپ نخبگان زرهی در ارتش شناخته می‌شود و به نام «پاشنه‌های فولادین» مشهور است.

دوم اینکه دقسه فرمانده تمامی عملیات تهاجمی در الشفاء، الزیتون، بیت حانون، جبالیا و رفح را برعهده داشت و بیش از تمام مقامات نظامی ارتش رژیم صهیونیستی در کشتار بی‌رحمانه غیرنظامیان در غزه نقش داشت.

برخی از فعالان فلسطینی پس از تأیید خبر به هلاکت رسیدن او، از او به‌عنوان چنگیزخان و هلاکوخان دوران یاد کردند و گفتند که این مقام نظامی، هر آنچه که بر سر راهش بود از بین می‌برد.

برخی کارشناسان عرب به این نکته اشاره کردند که موفقیت مقاومت در جبالیا در کشتن فرمانده تیپ ۴۰۱، نشان‌دهنده توانایی گردان‌های القسام در کنترل نیروها در میدان نبرد و انتخاب اهداف حساس است. همچنین دیگر نکته قابل‌توجه این است که فرمانده تیپ ۴۰۱ زرهی به دست‌گردان غرب اردوگاه جبالیا، یعنی گردان شهید عماد عقل، کشته شد؛ این یکی از سه گردانی است که دشمن تصور می‌کرد از بین رفته‌اند و مقاومت نتوانسته آن‌ها را بازسازی کند.

نکته مهم دیگر آن است که دقسه در یک کمین از سوی گردان‌های القسام برای هدف قراردادن یک زرهی ارتش صهیونیستی، به هلاکت رسیده است. برخی از کارشناسان نیز این ضربه را پاسخی فوری در برابر شهادت فرمانده یحیی السنوار در نظر گرفتند. سعید زیاد کارشناس مسائل فلسطین دراین‌رابطه به الجزیره گفت که دستاوردهای این کمین در تحت محاصره‌ترین نقطه در غزه نشان‌دهنده آن است که گردان‌های القسام همچنان در حال مقاومت هستند و ساختار آن‌ها پس از شهادت یحیی السنوار دچار فروپاشی نشده است.

جبالیا مقاومت می‌کند

سرتیپ فایز دویری کارشناس نظامی، دررابطه با کمین‌های جبالیا می‌گوید: «کشته‌شدن فرمانده تیپ ۴۰۱ ارتش رژیم صهیونیستی در شمال نوار غزه نشان‌دهنده ماهیت مقاومت است.» او به همین دلیل توانایی‌های گردان اردوگاه جبالیا وابسته به گردان‌های قسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی (حماس) را می‌ستاید.

دویری در تحلیل صحنه نظامی غزه توضیح داد که کشته‌شدن فرمانده تیپ با رسیدن او به اطراف جبالیا قابل‌پیش‌بینی بود و ارزش این رویداد به درجه نظامی هدف قرار گرفته شده مربوط می‌شود.

محمد خیری روزنامه‌نگار تحقیقی از منابع صهیونیستی نقل کرده که دقسه پس از پیاده‌شدن از تانک خود به همراه دیگر افسران و طی‌کردن مسافتی حدود ۲۰ متر، در محلی که قبلاً بمب‌گذاری شده بود، با انفجار بمب کشته شد.

گردان‌های قسام روز یکشنبه صحنه‌هایی از هدف‌گیری خودروهای نظامی صهیونیستی با بمب‌های انفجاری و موشک‌های ضد زره و همچنین درگیری‌های شدید با نیروهای ویژه صهیونیستی از فواصل نزدیک را پخش کردند.

کارشناسان نظامی معتقدند که «هیچ انسان عادی نمی‌تواند نبرد دفاعی مشابه آنچه مقاومت در حال حاضر در جبالیا انجام می‌دهد، با پیچیدگی‌ها، کشتار و آوارگی فراوان، به انجام برساند.» او تأکید کرد که مقاومت از خود فراتر رفته است.

در این شرایط، سرهنگ کریم الفلاحی کارشناس نظامی معتقد است که «نیروهای ویژه آمریکایی نمی‌توانند به سطح گردان اردوگاه جبالیا وابسته به گردان‌های قسام بجنگند.»

الفلاحی توضیح داد که مقاومت در حال حاضر به شکل «غیرمتمرکز» می‌جنگد و احتمال داد که گردان جبالیا به سلول‌های خوشه‌ای تقسیم شده باشد که هر سلول شامل ۳ تا ۵ مبارز است و فرمانده آن، اهداف را بر اساس داده‌های میدانی انتخاب می‌کند.

او همچنین می‌گوید که فرمانده تیپ به همراه گروهی از افسران در بخش عملیات و اطلاعات به منطقه آمده بود؛ زیرا که عملیات در جبالیا با گذشت ۱۷ روز همچنان ناکام مانده بود.

وی احتمال داد که در صورت عدم آسیب‌دیدن، معاون فرمانده تیپ کشته شده برای فرماندهی تیپ ۴۰۱ انتخاب شود و در غیر این صورت به دنبال فرمانده دیگری بگردند. او افزود که معاون فرمانده تیپ معمولاً از ۸۵ درصد واقعیت میدانی آگاه است.

بخشی از تلفات رژیم که به‌طور رسمی اعلام شده است:

۱۲۰۰	۷۴۸	۳۰۲	۳۵۵
مجموع کشته‌شدگان در ۷ اکتبر	کشته‌های ارتش از ابتدای جنگ تاکنون	کشته‌های ارتش در مرز با غزه در ۷ اکتبر و روزهای بعد	کشته‌های ارتش در جریان تجاوز زمینی به غزه
۶۸	۲۶	۱۸	۴۹۸۴
مجموع کشته‌های پلیس در طول جنگ	تعداد کشته‌ها در زدوخوردهای مرزی با لبنان	تعداد کشته‌ها در تجاوز زمینی به لبنان	تعداد زخمی‌ها

به هلاکت رسیده‌ها

پس از گذشت یک سال از تجاوز اسرائیل به نوار غزه، ارتش اسرائیل صدها سرباز و افسر خود را در درگیری‌های متعدد در مناطق مختلف نوار غزه از دست داده است. در ادامه فهرستی از برجسته‌ترین افسران اسرائیلی آورده شده است که در این تجاوز به هلاکت رسیده‌اند.

سرهنگ احسان دقسه
فرمانده تیپ ۴۰۱

با درجه سرهنگی، فرماندهی تیپ ۴۰۱ را بر عهده داشت. دقسه متولد ۱۹۸۳ به طایفه دروزی تعلق داشت. او در نبردهای ارتش صهیونیستی با گردان‌های عزالدین قسام، شاخه نظامی جنبش مقاومت اسلامی (حماس) در شمال نوار غزه به هلاکت رسید. رسانه‌های اسرائیلی اعلام کردند دقسه بالاترین رتبه نظامی است که در جنگ غزه هلاک شده است. او یکی از چهار سرهنگ کشته‌شده در این جنگ است.

سرهنگ آساف حمامی
فرمانده تیپ جنوبی در لشکر غزه

در سال ۱۹۸۲ به دنیا آمد و در سال ۲۰۰۱ به ارتش پیوست. او درطول دوران خدمت خود مناصب متعددی را بر عهده داشت و آخرین سمتش فرماندهی تیپ جنوبی در لشکر غزه بود. اسرائیل هلاکت این سرهنگ ارتشش را در عملیات «طوفان الأقصی» که توسط مقاومت فلسطین در ۷ اکتبر ۲۰۲۳ در شهرک‌های اطراف غزه انجام شد، اعلام کرد. جسد او هنوز در دست مقاومت است.

سرهنگ یوناتان اشتاینبرگ
فرمانده تیپ «ناحال»

افسر اسرائیلی با درجه سرهنگی، در سال ۱۹۸۰ متولد شد و فرماندهی تیپ «ناحال» را بر عهده داشت. او در ابتدای تجاوز اسرائیل به غزه در اکتبر ۲۰۲۳ در جریان درگیری‌ها با مبارزان گردان‌های قسام در نزدیکی منطقه «کرَم ابو سالم» در جنوب شرقی نوار غزه به هلاکت رسید. او در حال حرکت به سمت این منطقه بود که یکی از مبارزان مقاومت توانست او را در یک درگیری هلاک کند.

سرهنگ لیئون بار
افسر ارشد در لشکر کرانه باختری

افسر ارشد لشکر کرانه باختری در ارتش اسرائیل، در جریان درگیری با مقاومت در اطراف غزه در ۱۳ اکتبر ۲۰۲۳ به هلاکت رسید.

سرهنگ روعی یوسف لوی
فرمانده واحد «شبح»

او در سال ۱۹۷۹ متولد شد و با درجه سرهنگی، فرماندهی واحد چندبعدی (واحد شبح) را بر عهده داشت. لوی همچنین فرمانده مرکز آموزش‌های آتشین، تیپ «برعام»، واحد «ایگوز» و تیپ «گولانی» بود. وی در جریان درگیری‌ها با مبارزان گردان‌های قسام در شهرک «رعیم» در حین نبرد «طوفان الأقصی» کشته شد. طبق گزارش‌های مطبوعات اسرائیلی، لوی و اشتاینبرگ از بالاترین رتبه‌های نظامی بودند که اسرائیل طی سال‌های طولانی در نبردهای خود از دست داده است.

سرهنگ یتسحاق بن بسات
فرمانده اتاق عملیات در تیپ گولانی

او در سال ۱۹۷۹ در شهرک «نبی یعقوب» واقع در شمال قدس شرقی به دنیا آمد. تا سپتامبر ۲۰۲۳ با درجه سرهنگی، فرماندهی تیپ «یفتاح» را برعهده داشت و همچنین فرماندهی تیپ «باران» و اتاق عملیات پیشرفته تیپ «گولانی» را در دست داشت. وی ۱۲ دسامبر ۲۰۲۳ به همراه تعدادی دیگر از سربازان در کمینی که توسط مقاومت در محله «شجاعیه» در شمال نوار غزه طراحی شده بود، کشته شد.

هدف قراردادن مراکز غیرنظامی وابسته به شیعیان لبنان از جمله مؤسسه اقتصادی قرض‌الحسن و شبکه تلویزیونی المنار با چه اهدافی صورت می‌گیرد؟

بحران هدف

سیدمهدی طالبی
پژوهشگر حوزه بین‌الملل

دستگاه ترور رژیم صهیونیستی به دلیل کور شدن در یافتن اهداف جدید، فعلا خاموش است اما جنایت‌های این موجودیت در اشکال دیگر ادامه یافته است. جنگنده‌های رژیم شامگاه یکشنبه (۲۹ مهر، ۲۰ اکتبر)، ساختمان‌های متعلق به موسسه اقتصادی-اجتماعی «القرض الحسن» و شبکه تلویزیونی «المنار» را هدف قرار دادند. در این حملات ۱۹ دفتر موسسه القرض‌الحسن در مناطق مختلف لبنان نابود شد و دفتر مرکزی شبکه المنار نیز از بین رفت. این اقدام صهیونیست‌ها سمت و سویی جدید به جنگ داده و ابعاد آن را حتی از وضعیت پیشین که طی آن فرماندهان عالی مقاومت لبنان هدف قرار گرفته و به شهادت رسیدند، فراتر برده است.

دلایل و اهداف دور جدید حملات

صهیونیست‌ها همزمان با تبدیل زدوخوردهای مرزی با مقاومت لبنان به یک درگیری نامحدود و سپس جنگ، شعله‌های آتش را به سمت مردم این کشور هدایت کرده و درصدد فشار به اهداف غیرنظامی برآمده‌اند. آواره ساختن یک میلیون لبنانی و حمله به اهداف اقتصادی و اجتماعی، نشان‌دهنده وضعیتی جدید در تنش‌های منطقه است. در ادامه به برخی از نکات در این خصوص پرداخته شده است.

۱ پس از انفجار پیجرها و بی‌سیم‌ها در لبنان، ترور فرماندهان یگان رضوان و درنهایت به شهادت رساندن سیدحسن نصرالله دبیرکل مقاومت لبنان صهیونیست‌ها تقریبا تمام بانک اهداف خود را مصرف کرده و احتمالا به دلیل تغییر رویه‌ها و افزایش حفاظت‌ها بخش‌های مهم دیگری را که تحت رصد داشتند از دست دادند. در فقدان وجود اهداف نظامی در بانک اهداف رژیم چه از نظر انسانی و چه پایگاه‌های مقاومت، تل‌آویو درحال انتقال جنگ از اهداف نظامی به مرحله اهداف غیرنظامی است.

۲ رژیم می‌داند مهم‌ترین حامی مقاومت، مردمند. این مقاومت برخواسته از محیط مردمی است و با همین حمایت‌ها موفق شده بدون امکانات قابل‌توجه، مدت‌ها پایداری کرده و به پیروزی‌هایی دست یابد. تل‌آویو از این رو درصدد ضربه به محیط مقاومت یا زندگی معمول مردم است تا ضمن انتقام از آنها مردم را از پیگیری راه خود بازدارد.

۳ ضرباتی مثل انفجار پیجرها به دلیل تلفات گسترده باعث مشغله فراوان برای مقاومت، مردم و نهادهای لبنانی شد. رژیم امیدوار است با ضربه به برخی مراکز مانند نهادهای اقتصادی بار دیگر برای مقاومت مشغله ایجاد کند. به زعم تل‌آویو مشغول شدن مقاومت نسبت مستقیمی با کاهش فشارهای میدانی‌اش به رژیم دارد؛ هرچند شک و تردیدهایی درباره درست بودن این برداشت وجود دارد.

۴ رژیم و غرب با بمباران شرق سوریه برای مسدود کردن مسیر انتقال تدارکات از عراق و همچنین بمباران مرزهای سوریه با لبنان به دنبال محاصره کردن لبنانی‌هاست. تهدید فرودگاه بیروت نیز در این راستا صورت گرفته است. همزمان با حصر جغرافیایی، صهیونیست‌ها درصدد تشدید حصر با هدف قرار دادن اماکن اقتصادی و تدارکاتی در داخل لبنانند.

۵ بخشی از هدف رژیم از بمباران دیوانه‌وار اهداف غیرنظامی چنگ و دندان نشان دادن است تا با نمایش بی‌رحمی، مقاومت و مردم لبنان را به انفعال وادار کند.

۶ جنگنده‌های رژیم تنها ساعاتی قبل از ورود آموس هوکشتاین مشاور و فرستاده ویژه رئیس جمهور آمریکا در امور لبنان، به بیروت دست به بمباران گسترده اهداف غیرنظامی در لبنان زدند. یکی از اهداف این بمباران اعمال فشار به مقاومت و مقامات لبنانی برای پذیرش طرح‌های هوکشتاین است. هوکشتاین که خود یک صهیونیست بوده و سابقه خدمت در ارتش رژیم را در کارنامه‌اش دارد، اصرار دارد جنوب رود لیتانی که بر شمال فلسطین اشغالی مشرف است باید از حضور مقاومت تخلیه شده و هشت هزار سرباز ارتش لبنان و همچنین تعداد بیشتری از نیروهای یونیفل (نیروی موقت سازمان ملل در لبنان) در این منطقه مستقر شوند.

۷ جنگ غزه و زدوخوردها با لبنان اقتصاد رژیم را تحت فشار سنگینی قرار داده است. هادی قبیسی، نویسنده و پژوهشگر سیاسی می‌گوید: «هدف قرار دادن امکانات مالی حزب‌الله، به‌ویژه موسسات القرض‌الحسن در پاسخ به زیان‌های اقتصادی عظیمی است که این جنبش در بیش از یک سال گذشته به آن وارد کرده است.»

طی یک سال گذشته مقاومت لبنان با آوار کردن جمعیت بزرگی از شهرک‌نشینیان صهیونیست در شمال فلسطین اشغالی که براساس نقل‌های مختلف و طبق شرایط زمانی متفاوت بین ۶۰ تا ۲۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شوند زیان بزرگی به تل‌آویو وارد کرده است. این افراد در هتل‌ها و مراکز مختلف اسکان یافته و تمام هزینه‌هایشان در این مدت برعهده دولت بوده است. از سوی دیگر هزینه بالای رهگیری پرتابه‌های مقاومت و همچنین تخریب برخی زیرساخت‌ها نیز بخش دیگری از زیان‌های وارده به رژیم است.

راهکارهای مقاومت

رژیم صهیونیستی فرایند «غزه‌سازی» از لبنان را آغاز کرده است. صهیونیست‌ها به بهانه وابستگی موسسات مختلف به مقاومت لبنان آنها را از بین می‌برند و از سوی دیگر بافت مسکونی به‌ویژه در ضاحیه بیروت را نیز با ادعای حضور نیروهای مقاومت در آن، تا حد زیادی تخریب کرده‌اند. هرچند این اقدامات با توجیه ارتباط با افراد و مراکز نظامی صورت می‌گیرد اما نتیجه یکسان است. نابودی منازل مردم و زیرساخت‌های عمومی موضوعی نیست که خارج از توجه مقاومت قرار گیرد.

بر همین اساس به نظر می‌رسد مقاومت که در هفته‌ها و روزهای اخیر گام‌های بزرگی به سمت تثبیت معادله با صهیونیست‌ها حرکت کرده، واکنش خود را شروع کند. از هفته‌ها قبل مقاومت لبنان براساس معادله قدیمی‌ای که طبق آن در برابر حمله رژیم به ضاحیه بیروت، استان و شهر حیفا زیر آتش قرار می‌گرفت حمله به این منطقه صهیونیست‌نشین را با راکت و پهپادهای انتحاری آغاز کرده است. احتمال می‌رود در روزها و هفته‌های آتی به مرور اهداف اقتصادی مانند کارخانه‌های مختلف وارد بانک اهداف مقاومت شوند.

درباره موسسه «القرض‌الحسن»

موسسه القرض‌الحسن همزمان با سال‌های خیزش شیعیان لبنان برای احقاق حقوق خود و تشکیل حرکت امل، ایجاد شده است. به‌طور دقیق‌تر این موسسه یک سال پس از تاسیس مقاومت لبنان از دل جنبش امل، تاسیس شد. القرض‌الحسن در سال ۱۹۸۳ آغاز به کار کرده و در سال ۱۹۸۷ موفق شد از وزارت کشور لبنان مجوز بگیرد.

موسسه القرض‌الحسن پس از مواجهه با اتهامات و برای شفاف‌سازی در بیانیه‌ای توضیحی که در ۱۶ ژانویه ۲۰۲۳ منتشر شد، اعلام کرد: «کارش در درجه اول ماهیت خیریه و اجتماعی دارد و یک بانک نیست، بلکه انجمنی است که از افراد خیر کمک می‌گیرد و این مبالغ را بدون بهره و با شرایط آسان به افراد نیازمند می‌دهد.» این موسسه در بیانیه خود تاکید کرده بود «به همه لبنانی‌ها و ساکنان سرزمین لبنان بدون تبعیض براساس مذهب، فرقه یا وابستگی سیاسی وام می‌دهد.»

کار القرض‌الحسن زمانی بالا گرفت که در زمان دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا جنگ نابودی لبنان کلید خورد که بحران ارزی و بانک‌ها یک شاخه مهم از آن بود. با بلوکه شدن حساب مردم نزد بانک‌ها آنها به دلیل اطمینان بالا به این موسسه سپرده‌های خود را نزد این موسسه پس‌انداز کردند. موسسه مزبور با بانک متفاوت بوده و ضمن ارائه وام بدون بهره، به شبکه بانکی متصل نبوده و متکی به شیوه کار فیزیکی است که براساس آن از پول نقد به شکل گسترده‌ای استفاده می‌شود. صهیونیست‌ها با توجه به همین ویژگی قصد داشتند با انهدام ۱۹ دفتر موسسه، مبالغ نقد ذخیره‌شده در آنها را نیز نابود کنند. علی‌رغم این هدف اما به نظر نمی‌رسد مقاومت این فرصت را به تل‌آویو داده باشد.